



An Analyzing of Ibn Amer's Recitation (*Qira't*) of Verse 137 of Surah An'am*



Sobhan Ranjbarzadeh ^۱
Hossein Qannadi ^۲

Abstract

Recitation (*Qira't*) the Quran is one of the challenging and wide-ranging issues of the Quranic sciences that Muslim thinkers have had different approaches to it throughout history. Verse ۱۳۷ of Surah An'am is one of the verses that have been discussed a lot about its recitation (*Qira't*). Six of the seven reciters have recited the verse in a single form, and only Ibn Amir has presented a different recitation (*Qira't*) of it. His recitation (*Qira't*) of this verse has opponents and supporters. Opponents of Ibn Amir do not consider his recitation (*Qira't*) of this verse permissible for four reasons: "the ijthad of his recitation (*Qira't*)", "the ugly distance between the relative and related noun", "the context" and "the evidence of history". However, the supporters defend the correctness of his recitation (*Qira't*) by citing reasons such as "the frequency of seven recitations (*Qira'at*)", "the distance between the related and the relative noun is not ugly", and "the appearance of I'rab" and "verb ascribing based on intellectual permission. The current research has shown the strength of the popular recitation (*Qira't*) and the weakness of Ibn Amir's recitation (*Qira't*) by examining each of the reasons for the supporters and opponents in a descriptive-analytical method.

Keywords: Difference of Recitations (*Qira'at*), Verse ۱۳۷ of An'am, Criticism and Preference of Recitations (*Qira'at*), the Seven Reciters, Ibn Amir.

*. **Date of receiving:** February ۲۲, ۲۰۲۲, **Date of approval:** January ۲۱, ۲۰۲۳.

۱. Ph.D. Candidate of Quran and Hadith Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran; sobhanranjbar^{۷۹}@gmail.com

۲. Master in Quran and Hadith Sciences, Allama Tabatabai University, Tehran, Iran; (Corresponding Author); hossein.itmanager@chmail.ir



واکاوی قرائت ابن عامر در آیه ۷۳۱ سورة انعام*

سبحان رنجبرزاده* حسین قنادی***



چکیده

قرائت قرآن از مسائل پرچالش و پردامنه علوم قرآن است که اندیشمندان مسلمان در طول تاریخ رویکردهای مختلفی در قبال آن داشته‌اند. از جمله آیاتی که بحث‌های فراوانی درباره قرائت آن صورت گرفته آیه ۱۳۷ سورة انعام است. شش تن از قراء هفت‌گانه، آیه را به‌شکل واحدی قرائت کرده و تنها ابن عامر قرائت متفاوتی از آن ارائه داده است؛ قرائت وی از این آیه مخالفان و موافقانی دارد. مخالفان ابن عامر به چهار دلیل «اجتهادی‌بودن قرائت او»، «قیح‌بودن فاصله بین مضاف و مضاف‌الیه»، «سیاق» و «گواهی تاریخ» قرائت او از این آیه را جایز نمی‌دانند. اما موافقان با استناد به دلایلی چون «تواتر قرائات سبع»، «قیح‌نبودن فاصله بین مضاف و مضاف‌الیه»، «ظاهر بودن اعراب» و «استناد فعل بر اساس مجاز عقلی» از صحت قرائت وی دفاع می‌کنند. پژوهش حاضر با بررسی هر یک از دلایل موافقین و مخالفین به روش توصیفی- تحلیلی قوت قرائت مشهور و ضعف قرائت ابن عامر را نمایانده است.

واژگان کلیدی: اختلاف قرائت، آیه ۱۳۷ انعام، نقد و ترجیح قرائات، قراء سبع،

ابن عامر.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱.

** دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، (sobhanranjbar79@gmail.com).

*** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، «نویسنده مسئول»؛

(hossein.itmanager@chmail.ir).



مقدمه

اطلاع از قرائات و اختلافات آن‌ها از مهم‌ترین پیش‌نیازهای فهم و تفسیر قرآن کریم به شمار می‌آید. این اختلافات هنگامی که در معنای آیه تأثیرگذار باشند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. آیه ۱۳۷ سوره انعام: «وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَاءُهُمْ لِيَرُدُّوهُمْ وَ لَا يَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَ مَا يَفْتُرُونَ» از جمله آیاتی است که در بین قراء سبع دو قرائت متفاوت از آن وجود دارد؛ بدین صورت که شش تن از قراء سبع در قرائت این آیه متفق‌النظر بوده و تنها ابن عامر قرائت متفاوتی از آن ارائه داده است. قرائت ابن عامر تفاوت معنایی در آیه ایجاد می‌کند و از آنجایی که آیه در مقام گزارش از واقعیات زندگی مشرکین است و آیه در صورت مطابقت با واقع معنای صحیحی خواهد داشت، پذیرش هر دو قرائت ممکن نیست. سؤال پژوهش حاضر این است که آیا قرائت ابن عامر از آیه ۱۳۷ سوره انعام با توجه به معیارهای مختلف، قابل پذیرش است؟ برای پاسخ به این سؤال ادله و مستندات طرفداران هر کدام از دو قرائت بررسی می‌شود.

لازم به ذکر است تاکنون پژوهش مستقلی درباره بررسی اختلاف قرائات در آیه ۱۳۷ سوره انعام انجام نشده است؛ در حالی که با توجه به بحث‌های فراوان درباره قرائت این آیه انجام پژوهشی مستقل در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. لذا این نوشتار که در استناد داده‌ها از روش اسنادی و در تجزیه و تحلیل مطالب از روش توصیفی-تحلیلی پیروی می‌کند، به بررسی دیدگاه‌های مختلف در قرائت این آیه پرداخته است.

الف. اختلاف قرائات در آیه ۱۳۷ سوره انعام

قاری	قرائت
ابن عامر	«وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَائِهِمْ لِيُزْذَوْهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْعُرُونَ»
نافع، ابن كثير، ابو عمر، عاصم، حمزة، كسائي	«وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَائُهُمْ لِيُزْذَوْهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْعُرُونَ» (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۲۷۰؛ الداني، ۱۴۰۴: ۱۰۷)

بر اساس قرائت مشهور معنای آیه این گونه خواهد بود: «بدین سان شرکای ایشان کشتن فرزندان را به نظر بسیاری از مشرکان زینت دادند تا هلاکشان کنند و دینشان را برایشان مشوش سازند و اگر خدا می خواست این کار را نمی کردند، پس تو ایشان را با دروغ هایی که می سازند واگذار». اما بر اساس قرائت ابن عامر در قسمت ابتدایی آیه، تغییر معنایی ایجاد می شود: «بدین سان کشتن فرزندان توسط شرکای ایشان برای بسیاری از مشرکان زینت داده شد...».

همچنین در قرائت شاذی که از ابو عبد الرحمن سلمی نقل شده و سیویه نیز آن را گزارش کرده آیه بدین شکل قرائت شده: «وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَائُهُمْ لِيُزْذَوْهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْعُرُونَ» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۵۳/۸؛ سیویه، ۱۴۰۸: ۲۹۰). بر اساس این قرائت گویی خدای متعال فرموده: «وَكَذَلِكَ زَيْنَ



لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ» سپس شخصی سؤال کرده که چه کسی قتل فرزندان را زینت داده است؟ آنگاه خداوند فرموده: «شُرَكَاءُهُمْ»؛ اما در صورت پیروی از این قرائت به خلاف قرائت ابن‌عامر، معنای آیه تفاوتی با معنای محصل از قرائت مشهور نخواهد داشت.

ب. تحلیل نحوی

فعل «زَيَّنَ» بر اساس قرائت مشهور معلوم بوده، فاعل آن «شُرَكَاء» و مفعول آن «قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ» است و نمی‌توان گفت «شُرَكَاء» فاعل مصدر «قَتَلَ» است؛ زیرا در این صورت «زَيَّنَ» فاعل نخواهد داشت. از نظر معنایی نیز شرکاء قاتل اولاد نیستند و تنها قتل اولاد را برای مشرکین زینت می‌بخشند. مصدر قتل نیز به مفعول اول و دوم خود اضافه شده که مفعول اول حذف و مفعول دوم باقی مانده است. در واقع، این ترکیب اضافی در اصل «قَتَلَهُمْ أَوْلَادَهُمْ» بوده است.

اما بر اساس قرائت ابن‌عامر «زُيِّنَ» فعلی مجهولی است که نائب فاعل آن مصدر «قَتَلَ» است، شرکاء نیز فاعل قتل است و این مصدر به فاعل خود اضافه شده است، در حقیقت، در عبارت «قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَاءَهُمْ» اولادهم که مفعول به مصدر است، بین مضاف و مضاف‌الیه فاصله شده است.

ج. دیدگاه‌ها درباره قرائت ابن‌عامر

مفسران و متخصصان علم قرائت دیدگاه‌های مختلفی درباره قرائت ابن‌عامر بیان داشتند. اکثر مفسران و قرآن‌پژوهانی که به مسئله اختلاف قرائت این آیه پرداخته‌اند، قرائت وی از این آیه را جایز ندانسته‌اند و برخی نیز آن را تأیید کرده‌اند.

۱. دلایل مخالفان قرائت ابن‌عامر

مخالفان قرائت ابن‌عامر در حقیقت، موافقین قرائت مشهور هستند. این افراد دلایل مختلفی برای رد قرائت ابن‌عامر و اثبات قرائت مشهور ارائه کرده‌اند؛ حتی برخی چون

طبری اعتقاد دارند تمامی دلایل بر صحت قرائت مشهور متفق هستند و اگر تمامی مفسرین هم قرائت مخالف آن را توجیه کنند، باز هم نادرستی آن واضح است (طبری، ۱۴۱۲: ۳۳/۸).

۱/۱. اجتهادی بودن قرائت ابن عامر

ابن خالویه، شیخ طوسی و زمخشری معتقدند که ابن عامر در مصحف شام مشاهده کرده که کلمه «شُرْكَائُهُمْ» به شکل «شُرْكَائُهُم» نوشته شده است. به همین دلیل، تصمیم گرفته آیه را بدین صورت قرائت کند و تنها مستند او برای قرائت خود همین امر بوده است. از این رو، می توان آیه را به شکل «قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرْكَائُهُمْ»؛ یعنی جرّ اولاد بنا بر مضاف الیه بودن نیز قرائت کرد؛^۱ اما ابن عامر چون دلیلی برای قرائت آیه به این شکل نداشته، نصب اولاد را ترجیح داده است (ابن خالویه، ۱۴۲۱: ۱۵۱؛ طوسی، بی تا، ۲۸۷/۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۰/۲). در این صورت، معنای آیه این است که قتل فرزندان مشرکین که شرکای آنها در نعمت و نسب و فرزند هستند برای آنها زینت داده می شود. حتی طبری قرائت آیه به این شکل را جایز دانسته؛ اما قرائت ابن عامر را رد کرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۳۳/۸). احتمالاً دلیل او این است که بر اساس این قرائت همچنان مشرکین قاتل فرزندانشان هستند؛ اما در قرائت ابن عامر فاعل قتل شرکای مشرکین خواهند بود.

مطالعه بر روی دیگر موارد اختلاف ابن عامر با قاریان دیگر نشان می دهد که مصحف شام تأثیر عمیقی بر قرائت او داشته است (به عنوان نمونه درباره آیه های: بقره/۱۱۶؛ نساء/۶۶؛ انعام/۳۲، قس: الدانی، ۱۴۰۴: ۷۶، ۹۶، ۱۰۲ و ۱۰۷ با ابن ابی داوود، ۱۳۵۵:

۱. حتی گفته شده برخی از اهالی شام آیه را به این شکل قرائت کرده اند (نحاس، ۱۴۲۱: ۳۳/۲).



۴۴ و ۴۵) (پاکتچی، ۱۳۹۹: ابن‌عامر/ <https://cgie.org.ir/>). در نتیجه تأثیر این مصحف بر قرائت او از آیه ۱۳۷ سوره انعام نیز بعید به نظر نمی‌رسد.

۱/۲. قبیح بودن فاصله بین مضاف و مضاف الیه

برخی از مخالفان قرائت ابن‌عامر اعتقاد دارند که فاصله افتادن بین مضاف و مضاف‌الیه به‌وسیله مفعول در شعر و غیر شعر جایز نیست (نحاس، ۱۴۲۱: ۳۳/۲؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۱۸۸/۲)؛ اما برخی دیگر، آن را قبیح و قلیل الاستعمال می‌دانند؛ مگر به‌واسطه ضرورت شعری و در اشعاری چون شعر طرماح:

یطفن بحوزی المراتع لم یرع بوادیه من قرع القسی الکنائن^۱

(فارسی، ۱۴۱۳: ۴۱۰/۳-۴۱۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۷۱/۴-۵۷۲؛ ابن‌عطیه، ۱۴۲۲: ۳۵۰/۲) و

اشعار دیگری چون:

فزعجتها بمزجة زجّ القلوص أبی مزاده^۲

(ابن‌خالویه، ۱۴۲۱/۱۵۰-۱۵۱)؛ اما حمل کلام خداوند بر آنچه در ادبیات عرب قبیح و

شاذ است، جایز نیست (طوسی، بی‌تا، ۲۸۶/۴؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۵۲/۸).

۱/۳. سیاق

دلیل دیگر مخالفان این است که دو فعلی که در ادامه آیه برای تعلیل آمده یعنی «لیردوهم» و «ولیلسوا علیهم دینهم» با قرائت مشهور سازگاری بیشتری دارد (ابن‌عطیه، ۱۴۲۲: ۳۵۰/۲)؛ زیرا این دو فعل معلوم بوده و فاعل آن‌ها هم قطعاً شرکاء مشرکین هستند.

۱. «گاو نر وحشی به تنهایی در مراتع می‌گردد و در منطقه خود نمی‌ترسد از ضرب تیرها به قوس کمان‌ها [کنایه از شکارچیان]». شاهد مثال عبارت «قرع القسی الکنائن» است که در آن مصدر «قرع» به فاعل خود یعنی «الکنائن» اضافه شده اما «القسی» که مفعول به می‌باشد، میان مضاف و مضاف‌الیه فاصله شده است.

۲. «به شتر ضربه زدم با آهنی که در انتهای نیزه کوتاهم بود، مانند ضربه ابومزاده به شتر جوانش». شاهد مثال عبارت «زجّ القلوص أبی مزاده» است که در آن «القلوص» که نقش مفعول به را دارد میان مضاف و مضاف‌الیه (زجّ أبی مزاده) فاصله شده است.

از این رو، قرائت «زین» به شکل معلوم و اسناد آن به شرکاء مشرکین محتمل تر به نظر می‌رسد.

۱/۴. گواهی تاریخ

از جمله دلایل طرفداران قرائت مشهور گواهی تاریخ به این مطلب است که مشرکین فرزندان خود را به منظور تقرب به بت‌ها قربانی می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۶۱/۷؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۲۹۵/۱۰). مفسران تنها به این مطلب اشاره داشته و مستندات تاریخی آن را بیان نکرده‌اند؛ اما با مراجعه به منابع تاریخی درمی‌یابیم که قربانی کردن انسان و فرزندان در میان بسیاری از ملل و نحل با انگیزه‌ها و مقاصد گوناگون، به‌ویژه برای جلوگیری از خشم و غضب خدایان مرسوم بوده است. گزارش‌هایی که از بابل و کنعان رسیده است، وجود این قربانی را در این جوامع تأیید می‌کند؛ حتی در بین بعضی از قبایل عرب این نوع قربانی تا قبل از ظهور اسلام مرسوم بوده است. این رسم دینی در بین اسرائیلیان نیز معمول بوده و از گزارش‌های کتاب مقدس برمی‌آید که در اغلب مکان‌های مقدس و بلندی‌های اسرائیل و یودا، قربانی کودکان اجرا می‌شده است و به قول اشعیا زیر هر درخت و هر شکاف کوه، فرزندان خود را سر می‌بریدند (آشتیانی، ۱۳۶۸: ۲۹۳-۲۹۴). مردم سوریه هم فرزندان خود را قربانی می‌کردند؛ چون کار سختی پیش می‌آمد مانند مردم فینیقیه که آنان نیز چنین رسمی داشتند و فرزندان‌شان را به خدای (خورشید) تقدیم و برای او قربانی می‌کردند (رک: لسان، ۱۳۵۵: ۱۴). حتی برخی اعتقاد دارند که یکی از اهداف خداوند در داستان ذبح حضرت اسماعیل علیه السلام اشاره به این مطلب بوده که انسان‌ها نباید قربانی شوند و کشتن یک انسان هر چند به نام قربانی و عبادت باشد، خلاف خواست و سنت حق است (همان: ۱۳).



۲. دلایل موافقان قرائت ابن عامر

موافقان قرائت ابن عامر که تمامی آن‌ها از مفسران اهل سنت هستند نیز به ارائه دلایلی در دفاع از قرائت وی پرداخته‌اند. در ادامه به تقریر و سپس بررسی و نقد این دلایل می‌پردازیم:

۲/۱. تواتر قرائات سبع

آلوسی که از طرفداران قرائت ابن عامر است، قرائت او را متواتر دانسته و به افرادی که معتقدند دلیل این که ابن عامر به این قرائت روی آورده، این است که در یکی از مصاحف شام مشاهده کرده که «شُرْكَائُهُمْ» به شکل «شُرْكَائُهُم» نگاشته شده به شدت انتقاد می‌کند: «این افراد کورکورانه بر این کلمات سوار شده و دچار سرگردانی شدند. آن‌ها حتماً همانند بعضی از جاهلان خیال می‌کنند قراء سبعه بر اساس اجتهاد خود، آیات را قرائت کردند؛ نه بر اساس نقل و استماع. در نتیجه [فکر می‌کنند] ابن عامر در قرائت این آیه اشتباه کرده و به دنبال منشأ اشتباه او گشتند و این خطای صریحی است که خوف کفر بودن آن می‌رود. قرائات هفت‌گانه اجمالاً و تفصیلاً متواتر از فصیح‌ترین گوینده ^(۱) هستند. خطا دانستن قسمتی از آن به معنای نسبت دادن خطا به پیامبر ^(ص)؛ بلکه نسبت دادن خطا به خداوند است» (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۷۷/۴).

بررسی و نقد

اولاً در اصل تواتر و یا عدم تواتر قرائات اندیشمندان مسلمان تاکنون به نظر اجماعی قطعی دست نیافتند. برخی از بزرگان شیعه قائل به تواتر قرائات هستند (رک: معرب طهرانی، ۱۳۹۷: المقالة الثانية، المقام الأول). اما بیشتر امامیه و جمعی از اهل سنت به این عقیده باور ندارند (رک: زرکشی، بی‌تا، ۳۱۹/۱؛ مقدسی، ۱۳۹۵: ۱۷۸؛ خویی، ۱۳۶۴: ۱۵۳ و ۱۵۶). اعتقاد به تواتر قرائات از قرن هفتم به بعد، در میان عالمان شیعه و اهل سنت به

وجود آمد (شاهپسند، ۱۳۹۷)؛ و مفسرانی چون ابو حیان و آلوسی که از طرفداران قرائت ابن عامر هستند و انتقاد به آن را هم بر نمی تابند نیز پس از رواج این اندیشه می زیسته اند. این در حالی است که پیش از رواج اندیشه تواتر قرائات، نقدهایی از سوی دانشمندان اهل سنت بر برخی قرائات وارد شده است؛ گویا در دوران متقدم، قرائات تقدسی را که از قرن هفتم به بعد پیدا کردند، نداشتند. این تطور با مقایسه دیدگاه های مفسران متقدم و متأخر اهل سنت درباره قرائت آیه ۱۳۷ سوره انعام به وضوح قابل مشاهده است. برای مثال، طبری که از مفسران متقدم اهل سنت است، صراحتاً قرائت ابن عامر را رد می کند؛ اما مفسرانی چون ابو حیان، آلوسی و ابن عاشور حتی انتقاد به آن را هم جایز نمی دانند.

ثانیاً آیه ۱۳۷ سوره انعام در مقام گزارش از واقعیات زندگی مشرکین است؛ و درباره این آیه نمی توان گفت می توان هر دو قرائت از آیه را پذیرفت؛ چراکه آیه باید مطابق آنچه در واقعیت اتفاق افتاده باشد و در واقعیت یا مشرکین قاتل فرزندان خود بودند و یا شرکای آن ها. بنابراین، در صورت پذیرش یک قرائت، قرائت دیگر باید کنار گذاشته شود و برخلاف آنچه آلوسی می پندارد، پذیرش هر دو قرائت ممکن نیست. از طرف دیگر، همین مسئله که در این آیه ضرورتاً تنها یک قرائت، قرائت صحیح است، خود دلیلی است بر استناد قرائات به اجتهاد قراء؛ چراکه اگر قرائات به صورت متواتر از پیامبر ﷺ نقل شده بود، در آیه مورد بحث اصلاً نباید اختلافی موجود می بود؛ زیرا خداوند از یک واقعه، دو گزارش متفاوت غیر قابل جمع با یکدیگر نمی دهد.

۲/۲. قبیح نبودن فاصله بین مضاف و مضاف الیه

همچنین آلوسی معتقد است که باید میان مضاف عامل و غیر عامل (اضافه لفظی و معنوی) تفاوت نهاد. میان مضاف غیر عامل و مضاف الیه تنها ظرف فاصله می شود؛ اما هر



چیزی می‌تواند میان مضاف عامل و مضاف‌الیه فاصله شود؛ زیرا اضافه لفظی مقدّر به تقدیر انفصال بوده و معمول آن به لحاظ رتبی مؤخر است. بنابراین ایجاد فاصله بین مضاف و مضاف‌الیه در اضافه لفظی جایز است و تنها مختص اشعار نیست. مستند آلوسی، شعری از ابن مالک است که این نوع فصل را جایز دانسته:

و ظرف أو شیهه قد یفصل	جزای اضافه و قد یستعمل
فصلان فی اضطرار بعض الشعرا	و فی اختیار قد أضافوا المصدرا
لفاعل من بعد مفعول حجز	كقول بعض القائلین للرجز
بفرك حب السنبیل الكفافج	بالقاع فرك القطن المحالج ^۱
و عمدتی قراءه ابن عامر	و كم لها من عاضد و ناصر

(آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۷۷/۴). ابو حیان هم انتقاد تندی را متوجه زمخشری و دیگر افرادی می‌سازد که معتقدند ایجاد فاصله بین مضاف و مضاف‌الیه به ندرت اتفاق می‌افتد و باور دارند که ابن عامر به دلیل مشاهده مصحفی در شام به این قرائت روی آورده: «تعجب می‌کنم از این که عجمی که در نحو ضعیف است از قرائت متواتری که بر اساس عربیت محض است و نظیر آن در زبان عرب موجود است، ایراد می‌گیرد؛ و متعجبم از بدگمانی این مرد نسبت به ائمه قراء، کسانی که این امت در شرق و غرب، آن‌ها را برای نقل کتاب خداوند انتخاب کردند و مسلمانان بر نقل آن‌ها به دلیل ضبط، معرفت و دیانتشان اعتماد کردند» (ابو حیان، ۱۴۲۰: ۶۵۸/۴).

۱. «ظرف و شبه ظرف گاهی میان مضاف و مضاف‌الیه فاصله می‌شود. بعضی از شعراء در ضرورت شعری هر دو فاصل را بین مضاف و مضاف‌الیه استعمال کرده‌اند و در حالت اختیار اضافه کرده‌اند مصدر را به فاعلش البته با فاصل شدن مفعول مصدر، مانند رجزی که در اشعار عرب آمده است: آن زنان مالیدند دانه خوشه کفافج را به خویش در بیابان مانند مالیدن چوب حلاجی به پنبه [در مصرع دوم «فرك» مصدر است و «محالج» فاعل و مضاف‌الیه آن؛ بین آن‌ها «القطن» که مفعول «فرك» است فاصله شده است]. تکیه‌گاه من [در گرایش به این قول] قرائت ابن عامر [در آیه ۱۳۷ سوره انعام] است و چه پشتیبانان و یاوران فراوانی دارد».

بررسی و نقد

همان طور که در شعر ابن مالک اشاره شده او با استشهاد به قرائت ابن عامر، قول به جواز فصل مضاف و مضاف الیه را مطرح کرده است. از این رو، استناد به قول او از قبیل استدلال دوری است و نمی توان دلیل صحت قرائت ابن عامر را قول ابن مالک و دلیل صحت قول ابن مالک را قرائت ابن عامر دانست. البته قرائات برای نحویانی که قائل به تواتر آن ها هستند، مرجع پایه گذاری قواعد نحوی بوده است؛ اما نحویانی که قرائات را حاصل اجتهادات شخصی روات می دانستند، به عنوان یک الگوی بی نقص به قرائات ننگریستند و اشکالاتی را به آن وارد کردند (دهقان منگابادی، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۱)؛ از جمله آن ها افرادی هستند که فاصله مضاف و مضاف الیه را قبیح دانسته و به این دلیل قرائت ابن عامر را رد می کنند.

الأنباری در کتاب «الأنصاف فی مسائل الخلاف بین النحویین البصریین و الکوفیین» درباره جواز فصل بین مضاف و مضاف الیه می گوید: «نحویون کوفه، فاصله بین مضاف و مضاف الیه را به وسیله غیر ظرف و حرف جر هم جایز دانسته اند. البته تنها به واسطه ضرورت شعری؛ اما بصریون، قائل به عدم جواز فصل با غیر از ظرف و حرف جر شدند. کوفیون برای قول خود به استعمال فراوان آن در اشعار عرب استدلال کردند؛ اما بصریون گفتند مضاف و مضاف الیه به منزله شیء واحد هستند، پس فصل آن ها با غیر از ظرف و حرف جر جایز نیست. در جواب کوفیون می گوئیم اشعاری که بدان استدلال کردید تعداد اندکی هستند و شاعر آن ها نیز مشخص نیست. بنابراین، احتجاج به آن ها جایز نمی باشد. همچنین به قرائت ابن عامر نیز نمی توانید استدلال کنید؛ چرا که شما به موجب آن سخن نمی گوئید؛ زیرا بر امتناع فصل بین مضاف و مضاف الیه به وسیله مفعول در غیر از ضرورت شعری



اجماع وجود دارد و در قرآن ضرورتی نیست؛ و زمانی که بر امتناع فصل در غیر از ضرورت اجماع شده است، احتجاج به موارد ضروری جایز نیست. بصریون این قرائت را اشتباه دانسته و قاری آن [ابن‌عامر] را تخطئه می‌کنند. وقوع اجماع برخلاف آن خود دلیلی بر اشتباه قاری است. ابن‌عامر به دلیل آنچه در مصحف اهل شام دیده؛ یعنی نگارش «شركاؤهم» با یاء به این قرائت روی آورده؛ اما در مصاحف حجاز و عراق به شکل «شركاؤهم» نوشته شده که خود دلیلی بر صحت دیدگاه ما است» (۱۴۲۴: ۳۴۹/۲-۳۵۵).

همچنین اکثر نحویان، اضافه مصدر به معمول خود را اضافه محض و خالی از نیت انفصال دانسته‌اند. ایشان قرار گرفتن نعت معرفه برای مصدر عامل را توجیه سخن خود قرار داده‌اند؛ زیرا وقتی برای آن صفت معرفه می‌آوریم؛ یعنی از طریق اضافه کسب تعریف نموده است و از آنجا که کسب تعریف و تخصیص از خصوصیات اضافه محض است؛ بنابراین، این نوع اضافه نیز محض و معنوی محسوب می‌شود. دلیل دیگری که نشان می‌دهد بیشتر نحویان اضافه مصدر به معمولش را اضافه معنوی می‌دانند این است که وقتی موارد اضافه لفظی و حتی ملحقات آن را برمی‌شمارند، سخنی از مصدر مضاف به معمولش به میان نمی‌آورند. از جمله این نحویان سیوطی است که به باور او اضافه مصدر برخلاف صفت در نیت انفصال نیست؛ زیرا صفت حامل ضمیر است که باعث فصل میان مضاف و مضاف‌الیه می‌شود؛ ولی مصدر حامل ضمیر نیست. بنابراین، اضافه مصدر به معمولش اضافه معنوی است (صابری و حسینی، ۱۳۹۳: ۳۹-۴۰). در این صورت سخن آلوسی در جواز فصل به علت تقدیر انفصال قابل پذیرش نیست؛ چراکه اگر هم فصل در اضافه لفظی جایز باشد، اضافه مصدر به معمولش تخصصاً از این حکم خارج است.

۲/۳. ظاهر بودن اعراب

ابن عاشور نیز اعتقاد دارد که اگرچه فاصله بین مضاف و مضاف‌الیه به ندرت اتفاق می‌افتد؛ اما هر اتفاق نادری مخالف با فصاحت کلام نیست. از سوی دیگر، اعراب‌گذاری کلمات، معنا و نقش آن‌ها را مشخص می‌سازد و اعراب هر سه کلمه در عبارت مورد بحث نیز ظاهر و متفاوت از یکدیگر است که موجب می‌شود خواننده در تشخیص نقش و معنای کلمات دچار اشتباه نشود.

بررسی و نقد

موافقت با عربیت یا حتی قوت وجه در آن همواره یکی از معیارهای قبول قرائت به شمار آمده است (رک: فضلی، ۱۴۰۵: ۱۰۹-۱۱۲). علت آن هم این است که قرآن کریم فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین کلام است و باید آن را طوری قرائت کرد که فصاحت بیشتری داشته باشد. بنابراین، نمی‌توان به صرف ظاهر بودن اعراب و اینکه خواننده در فهم جمله دچار اشتباه نمی‌شود، قرائتی را مورد قبول دانست و باید به موافقت آن با قواعد نحوی و یا قوت وجه آن از این نظر توجه نمود.

۲/۴. اسناد فعل بر اساس مجاز عقلی

در نگاه ابن عاشور اسناد قتل به شرکاء خالی از اشکال است؛ زیرا این اسناد بر مبنای مجاز عقلی است که در آن فعل به جهت وجود علاقه‌ای به فاعل غیر حقیقی نسبت داده می‌شود (الهاشمی، ۱۳۹۷: ۲۰۴). در اینجا نیز اگر کشتن فرزندان به جهت قربانی کردن آن‌ها برای بت‌ها و یا به دستور خدمت‌گزاران بت‌ها صورت گرفته باشد، فعل به سبب آن نسبت داده شده و اگر مراد از قتل، زنده به گور کردن فرزندان به جهت قربانی کردن آن‌ها برای بت‌ها باشد، شرکاء سبب قتل هستند. اما اگر کشتن فرزندان برای قربانی کردن آن‌ها برای



بت‌ها نبوده؛ ولی یکی از شرایع مشرکین بوده، فعل به سبب سبب خود نسبت داده شده است (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۷/۷۷). به اعتقاد رشیدرضا نیز می‌توان گفت فعل مشرکین به شرکای آن‌ها نسبت داده شده تا زشتی عملشان را در اطاعت از شرکایشان در فضیص‌ترین جرایم و جنایات تذکر دهد (رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۸/۱۲۶).

بررسی و نقد

با نگاه به سیاق آیات درمی‌یابیم که آیات قبل و بعد از این آیه در مقام مذمت مشرکین هستند؛ نه مذمت شرکایی که آن‌ها برای خداوند قرار می‌دادند. در آیه ۱۳۶ خدای متعال مشرکین را مورد عتاب قرار می‌دهد که چرا از آنچه او آفریده سهمی برای شرکانشان قرار دادند و حتی بخشی از سهم خداوند را نیز به شرکانشان بخشیدند. در آیات ۱۳۸ و ۱۳۹ نیز مشرکین به دلیل اعمالی که در خدمت به بت‌ها انجام می‌داند، همچون قرارداد دادن سهم مشخصی مخصوص بت‌ها و خادمانشان و رفتار ناشایست آن‌ها در تفاوت نهادن میان غذای مردان و زنان مورد مذمت قرار می‌گیرند. بنابراین، عتاب در این آیات متوجه مشرکین است؛ نه شریکانی که برای خداوند قائل بودند. ازاین‌رو، اسناد فعل به فاعل غیرحقیقی آن در چنین سیاقی معقول نیست.

از سوی دیگر، آیه ۱۴۰ صراحت در این دارد که مشرکین خود فرزندانشان را به قتل می‌رساندند: «قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ»؛ «به‌راستی کسانی که فرزندان خویش را از کم‌خردی و بی‌دانشی کشتند، زیانبار شدند و آنچه را خدا روزی‌شان کرده با افترا زدن به خدا حرام شمردند، به‌راستی که گمراه شدند و هدایت یافتگان نبودند».

نتیجه گیری

در میان قرائات سبع، قرائت ابن عامر از آیه ۱۳۷ سوره انعام متفاوت از قراء دیگر است. قرائت او توسط اکثر مفسران و قرآن پژوهان مورد تضعیف قرار گرفته؛ اما برخی نیز به دفاع از حجیت قرائت وی پرداخته‌اند. این افراد به دلایل مختلفی استناد کرده‌اند. در درجه اول برخلاف کسانی که قرائت ابن عامر را حاصل اجتهاد او می‌دانند، معتقدند این قرائت از ناحیه خداوند و نبی مکرم اسلام ﷺ صادر شده است؛ در حالی که در خصوص این آیه که در مقام گزارش از واقع است، تنها یک قرائت قابل پذیرش است و با توجه به سیاق و شواهد تاریخی قرائت مشهور ترجیح دارد. در نتیجه نمی‌توان قرائت ابن عامر در این آیه را از ناحیه خداوند دانست؛ چراکه در این صورت نباید اصلاً اختلافی میان او و سایر قراء در این آیه موجود می‌بود. مدافعین قرائت ابن عامر همچنین در پاسخ به اشخاصی که معتقدند فاصله بین مضاف و مضاف‌الیه قبیح و قلیل الاستعمال است به آراء نحویونی مثل ابن مالک استناد جسته‌اند؛ در حالی که ابن مالک خود با استشهاد به قرائت ابن عامر فاصله مضاف و مضاف‌الیه را جایز دانسته است. بنابراین، استدلال به قول او از قبیل استدلال دوری و باطل است. در نگاه مدافعین همچنین اضافه مصدر به معمول آن خود از نوع اضافه لفظی و در تقدیر انفصال است. از این رو، فاصله میان مصدر و معمول آن خالی از اشکال است و این در صورتی است که دیدگاه اکثر نحویون خلاف این است. همچنین مدافعین معتقدند که به دلیل ظاهر بودن اعراب، خواننده در فهم معنای آیه دچار اشتباه نخواهد شد، پس اشکالی بر قرائت ابن عامر وارد نیست. در صورتی که معیار قبول قرائت موافقت با قواعد نحوی یا قوت وجه در آن است و نمی‌توان به صرف این مطلب قرائتی را پذیرفت. از طرف دیگر، مدافعین بر این باورند که فعل «رَزَيْنَ» بنابر مجاز عقلی به فاعل غیر حقیقی خود نسبت داده



شده است؛ اما با توجه به سیاق آیات قبل و بعد که در مقام مذمت مشرکین هستند، این احتمال معقول نیست. با توجه به تمامی این مطالب نمی‌توان قرائت ابن‌عامر را قرائت مناسب و قابل‌قبولی از آیه ۱۳۷ سوره انعام دانست و قرائت مشهور بر آن ترجیح دارد. تفرّد ابن‌عامر در قرائت متفاوت از آیه در بین قراء سبع نیز یکی از دلایل ضعف قرائت او به شمار می‌آید.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ش.
۲. آشتیانی، جلال‌الدین، تحقیقی در دین یهود، تهران: نشر نگارش، چاپ دوم، ۱۳۶۸ش.
۳. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۴. ابن ابی داوود، عبدالله بن سلیمان، المصاحف، قاهره: ۱۳۵۵ق.
۵. ابن خالویه، حسین بن احمد، الحجة فی القرائات السبع، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۲۱ق.
۶. ابن عاشور، محمد طاهر، التحرير و التنویر، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۷. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب الله العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
۸. ابن مجاهد، احمد بن موسی، السبعة فی القرائات، مصر: دارالمعارف، ۱۴۰۰ق.
۹. ابوالفتوح زاری، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۱۰. الأتباری، عبدالرحمان بن محمد، الإنصاف فی مسائل الخلاف بین النحویین البصریین و الکوفیین، بی‌جا: المكتبة العصرية، ۱۴۲۴ق.
۱۱. پاکتچی، احمد، ابن عامر، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی،

<https://cgie.org.ir/fa/article/۲۲۳۵۴۷>



۱۲. خویی، سیدابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، تهران: نشر مروی، ۱۳۶۴ش.
۱۳. الدانی، ابوعمرو عثمان بن سعید، التیسیر فی القرائات السبع، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۴ق.
۱۴. دهقان منگابادی، بمانعلی، میزان اثرپذیری قواعد نحو از قرائات، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۴، ۱۳۸۷ش.
۱۵. رشیدرضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۴ق.
۱۶. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
۱۷. زمخشری، محمودبن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۸. سیبویه، عمرو بن عثمان، الکتاب، قاهره: مکتبه الخانجی، ۱۴۰۸ق.
۱۹. شاه‌پسند، الهه، زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری انگاره تواتر قرائات، رهیافت‌هایی در علوم قرآن و حدیث، شماره ۱۰۱، ۱۳۹۷ش.
۲۰. شوکانی، محمد، فتح القدیر، دمشق: دار ابن‌کثیر، ۱۴۱۴ق.
۲۱. صابری، علی و طیه سادات حسینی، نقد و بررسی آراء نحویان درباره لفظی یا معنوی بودن اضافه مصدر، مطالعات نقد ادبی، شماره ۳۴، ۱۳۹۳ش.
۲۲. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم: فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه‌الأعلمی للطبوعات، ۱۳۹۰ق.

۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۵. طبری، محمد بن جریر، جامع‌البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، لبنان: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۷. فارسی، حسن بن احمد، الحجة للقراء السبع، بیروت: دار المأمون للتراث، ۱۴۱۳ق.
۲۸. فضلی، عبدالهادی، القراءات القرآنیة؛ تاریخ و تعریف، بیروت: دارالقلم، ۱۴۰۵ق.
۲۹. لسان، حسین، قربانی از روزگار کهن تا امروز، هنر و مردم، شماره ۱۶۵ و ۱۶۶، ۱۳۵۵ش.
۳۰. معرب طهرانی، محمد، کشف الارتیاب فی عدم تحریف الکتاب، (چاپ شده ذیل جلد هشتم مجموعه «تراث الشیعة القرانی»)، قم: مکتبه التفسیر و علوم القرآن، ۱۳۹۷ش.
۳۱. مقدسی، عبدالرحمان، المرشد الوجیز الی علوم تتعلق بالکتاب العزیز، تحقیق آلتی طیار قولاج، بیروت: دارصادر، ۱۳۹۵ق.
۳۲. نحاس، احمد بن محمد، اعراب القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ق.
۳۳. الهاشمی، احمد، جواهر البلاغه، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم: ۱۳۹۷ش.



References

۱. The Holy Quran .Translation of the Quran, Rezaei Isfahani, Mohammad Ali et al, The first group translation of the Holy Quran, Qom: Dar al-Dhikr, ۲۰۰۵.
۲. Al-Hindi, Alauddin Ali al-Muttaqi bin Hisam al-Din, *Kanz al-Ummal*, Beirut: Al-Risalah Institute, ۱۴۰۹ AH.
۳. Al-Qushayri al-Nishabouri, Muslim bin Hajjaj, *Sahih Muslim*, Beirut: Dar Ihya Turath al-Arabi, n.d.
۴. Al-Safi, Mahmoud bin Abd al-Rahim, *Table for the I'rab of the Quran*, Beirut: Dar al-Rashid, ۱۴۱۸ AH.
۵. Al-Shafi'i, Muhammad bin Idris, *Ahkam al-Quran*, Beirut: Dar al-Fikr, ۱۴۱۸ AH.
۶. Al-Tabatabai, Muhammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, Beirut: Al-A'jami Institute for Publications, ۵th Edition, ۲۰۱۳.
۷. Al-Tusi, Abi Jafar Muhammad bin al-Hassan, *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, ۱۴۰۹ AH.
۸. Amid Zanjani, Abbas Ali, *Ayat al-Ahkam*, Tehran: Institute of Islamic Studies and Research, ۲۰۰۳.
۹. Andalusi, Abuhian Muhammad bin Yusuf, *Al-Bahr al-Muhait fi al-Tafsir*, Beirut: Dar al-Fikr, ۱۴۲۰ AH.
۱۰. Babaei, Ali Akbar et al., *Methodology of Quran*, Tehran: SAMT Publications, ۲nd Edition, ۲۰۱۶.
۱۱. Babawayh al-Qomi, Abu Jafar al-Sadooq Muhammad bin Ali al-Hossein, *Man la Hazuruhi al-Faqih*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۵th Edition, ۲۰۱۱.
۱۲. Baghavi, Hossein bin Masoud, *Ma'alim al-Tanzil fi Tafsir al-Quran*, Beirut: Dar Ihya Turath al-Arabi, ۱۴۲۰ AH.
۱۳. Baghdadi, Alauddin Ali bin Muhammad, *Lubab al-Ta'wil fi Ma'ani al-Tanzil*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, ۱۴۱۵ AH.
۱۴. Bahrani, Seyyed Hashim bin Suleiman, *Al-Burhan fi Tafsir al-Quran*,

Tehran: Bi'athat Foundation, ۱۴۱۰ AH.

۱۵. Bukhari, Muhammad Ismail, *al-Sahih al-Bukhari*, Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi, N.d.

۱۶. Darvish, Muhyiddin, *I'rab al-Quran and Its Explanation*, Syria: Dar al-Irshad, ۱۴۱۰ AH.

۱۷. Fakhr Razi, Muhammad bin Umar, *al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, ۱۴۲۰ AH.

۱۸. Farahidi, Khalil bin Ahmad, *Kitab al-Ayn*, Qom: Hijrat Publications, ۱۴۱۰ AH.

۱۹. Fayz al-Kashani, Mulla Mohsen, *Tafsir al-Safi*, Tehran: Sadra, ۱۴۱۰ AH.

۲۰. Fazil Miqdad, Jamal al-Din Al-Miqdad bin Abdullah, *Kanz al-Irfan fi Fiqh al-Quran*, Tehran: Murtazavi Publications, ۱۹۹۴.

۲۱. Ghazanfari, Ali, *The Basics of Shiism in Sunni Sources*, Qom: Uswa Publications, ۲۰۱۷.

۲۲. Hojjati, Muhammad Baqir, *A Study of the History of the Holy Quran*, Tehran: Farhang Islamic Publications, ۱۷th Edition, ۲۰۱۳.

۲۳. Hosseini Shahrastani, Muhammad Hossein, *Ghaya Al-Masool fi Ilm al-Usul*, Qom: Alul-Bayt, n.d.

۲۴. Hourri, Abdallah, *Reasons for the Differences of the Commentators in the Interpretation of Verses of the Ahkam*, Master's Thesis, Cairo: University of Cairo, ۱۴۲۲ AH.

۲۵. Hurr Amili, Muhammad bin Hassan, *al-Fawad al-Tuwsiiyyah*, Qom: Al-Mutba'ah al-Ilmiyyah, ۱۴۰۳ AH.

۲۶. Ibn Arabi, Abi Bakr Muhammad bin Abdullah, *Ahkam al-Quran*, Beirut: Dar al-Jayl, ۱۴۰۸ AH.

۲۷. Ibn Attiyah Andalus, Ibn Attiyah Abd al-Haq bin Ghalib, *Al-Muharrar al-Awjiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilamiyyah, ۱۴۲۲ AH.

۲۸. Ibn Hazm, Ali Ibn Muhammad, *al-I'ham fi Usul al-Ahkam*, Beirut: Dar al-



Afaq al-Jadidah, n.d.

۲۹. Ibn Hisham Ansari, *Sharh Shazoor al-Zahab fi Ma'rifah Kalam al-Arab*, N.p.: n.p., n.d.

۳۰. Ibn Kathir, Ismail bin Amr, *Tafsir al-Quran al-Azeem*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilamiyyah, ۱۴۱۹ AH.

۳۱. Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram, *Lisan al-Arab*, Beirut: Dar Sader, ۱۴۱۴ AH.

۳۲. Ibn Qudama Moqdisi, Abi Muhammad Abdallah bin Ahmad bin Muhammad bin Qudama, *Al-Mughni li Ibn Qudama*, N.p., n.p., ۳rd Edition, ۱۹۹۷.

۳۳. Jassas, Ahmad bin Ali, *Ahkam al-Quran*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, ۱۴۰۵ AH.

۳۴. Jurjani, Seyyed Amirab al-Fath, *Tafsir Shahi o Ayat al-Ahkam*, N.p., Navid Publications, ۱۹۸۳.

۳۵. Kana'an, Ahmad Muhammad, *al-Masua'ah al-Tibbiyyah al-Fiqhiyyah*, Beirut: Dar al-Nafais, ۱۴۲۰ AH.

۳۶. Khazaeli, Muhammad, *The Laws of the Quran*, N.p., Javidan Publications, ۱۹۸۲.

۳۷. Kulayni, Muhammad bin Ya'qub, *Al-Faroo min Al-Kafi*, Edited by: Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۱۹۷۱.

۳۸. Ma'rifat, Muhammad Hadi, *History of the Quran*, Tehran: SAMT Publications, ۸th Edition, ۲۰۱۵.

۳۹. Modarrei Yazdi, Muhammad Reza, *Shi'ism in the Sunnism*, Qom: Ansarian Publications, ۲۰۱۳.

۴۰. Mudir Shanechi, Kazim, *Ayat al-Ahkam*, Tehran: Organization of Studies and Compilation of Books of Islamic Sciences for Universities, ۱۹۹۹.

۴۱. Mughniyeh, Muhammad Javad, *Fiqh a'la al-Mazahib al-Khamsah*, Beirut: Dar al-Tiyyar, ۷th Edition, ۱۴۰۲ AH.

۴۲. Muhammad bin Yasin, Abdullah, *Neil al-Maram, Sharah al-Bologh al-Maram min Adillah al-Ahkam*, Mosul: Al-Zahra Press, n.d.

۴۳. Mustafavi, Hassan, *Tahaqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim*, Tehran: Translation and Publishing Company, ۱۹۸۱.
۴۴. Qazvini, al-Hafiz bin Abi-Abdullah Muhammad bin Yazid, *Sunan Ibn Majah*, N.p., Dar al-Fikr, n.d.
۴۵. Qurtubi, Muhammad bin Ahmad, *Al-Jame li Ahkam al-Quran*, Tehran: Nasir Khosrow, ۱۹۸۵.
۴۶. Qutb Ravandi, Saeed bin Hibatullah, *Fiqh al-Quran*, Qom: Ayatullah Uzma Mara'shi Najafi Library, ۱۴۰۵ AH.
۴۷. Raghib al-Isfahani, Hossein bin Muhammad, *Al-Mufardat fi Gharaib al-Quran (Dictionary of Quranic Words)*, Beirut: Dar al-Ilm, ۱۴۱۲ AH.
۴۸. Ramyar, Mahmoud, *History of the Quran*, Tehran: Amir Kabir, ۷th Edition, ۲۰۰۶.
۴۹. Sabouni, Muhammad Ali, *Rawaa'e al-Bayan fi Tafsir Ayat Al-Ahkam min (Al-Quran)*, N.p.: Dar al-Quran al-Karim, ۱۹۳۱ AD.
۵۰. Sayis, Muhammad Ali, *Tafsir Ayat al-Ahkam*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, n.d.
۵۱. Shawkani, Muhammad bin Ali, *Nayl Al-Awtar, Commentary on Muntaqa Al-Akhbar min Al-Ahadith Sayyid Al-Akhbar*, N.p., Dar Ihya Al-Turath: n.d.
۵۲. Tabari, Muhammad bin Jarir, *Jame' al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, Beirut: Dar al-Ma'rifah, ۴th Edition, ۱۴۱۲ AH.
۵۳. Tabarsi, Fazl ibn al-Hassan, *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, Beirut: Al-A'jami Institute, ۱۴۱۵ AH.
۵۴. Tureihi, Fakhruddin, *Majma' al-Baharain*, Tehran: Murtazavi Publications, ۱۹۷۸.
۵۵. Zaghloul, Muhammad Hamad, *Al-Tafsir bi al-Ra'i (Its Rules and Regulations)*, Damascus: Al-Farabi Publications, ۱۴۲۰ AH.
۵۶. Zahabi, Muhammad Hossein, *Al-Tafsir wa al-Mafassirun*, N.p., Dar Ihya al-Turath al-Arabi, ۲۰۱۶.



۵۷. Zamakhshari, Mahmoud bin Umar, *Al-Kashshaf an Ghawamiz al-Tanzil (Discovery of the Ambiguity of Quran)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi, ۱۴۰۷ AH.

۵۸. Zuheili, Wahbah bin Mustafa, *al-Tafsir al-Munir fi al-Aqeedah wa Shariah wa al-Manhaj*, Beirut: Dar al-Fikr al-Mua'sir, ۱۴۱۱ AH.